



گودتای

۲۵ و ۲۸

مرداد

به قلم مرحوم دکتر محمد مصدق

بکاخ سلطنتی از این جهت نرفتم که ممکن بود سربازان گارد شاهنشاهی روی همان تعصب بیجا که من میخواستم اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از مملکت تشریف ببرند تیر بارانم کنند و مخالفین هم مرا بحق شامت نمایند که چرا برخلاف حزم و احتیاط عمل کردم. تشریف فرمائی شاهنشاه را هم بخانه ی خود یا بخانه ی پسر من شان آن مقام دانستم. باین حال وظایف خود را با نهایت ادب و احترام انجام میدادم و باینکه مملکت در محاصره اقتصادی بود و بدولت هیچ کمکی نمیرسید کارها میگذشت و یقین داشتم که اختلاف ما با شرکت نفت انگلیس و ایران بخوبی حل خواهد شد و ما خواهیم توانست نفت خود را با هر یک از دول غرب که مشتری بود معامله کنیم، چونکه نفت غیر از جنبه ی اقتصادی جنبه ی سوق الجیشی هم داشت و حاضر نمیشدند نفت زیر زمین بماند و از آن استفاده نکنند.

مذاکرات من با سفیر کبیر امریکا به بن بست رسید و مستر راس یکی از مدیران سابق شرکت نفت انگلیس و ایران از بغداد نامه ای نوشت و تقاضای شروع مذاکرات کرد که من جواب نوشتم و بتوسط آقای فواد روحانی مشاور حقوقی شرکت ملی نفت برای او فرستادم. مستر راس با نظر من که مذاکرات در طهران شروع شود موافقت نمود و میخواست مذاکرات در یکی از شهرهای اروپا صورت گیرد.

سیس مستر لوی متخصص معروف نفت که در تیرماه ۱۳۳۰ با آقای هریمان بطهران آمده بود همین تقاضا را نمود و پیشنهادی هم برای حل اختلاف توسط آقای اللهیار صالح سفیر کبیر ایران درواشنگتن داد که

مرحوم دکتر مصدق در سال ۱۳۴۲ خاطرات خود را به نگارش درآورد. مجموعه این خاطرات در کتابی تحت عنوان «خاطرات و تالمات» در تابستان ۱۳۷۵ توسط انتشارات علمی، چاپ و توزیع گردید.

بر آن شدیم تا در آستانه چهل و هفتمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد تحلیل و ریشه یابی آن مرحوم را در باره کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد (در صفحه ۲۶۷ الی ۲۷۳ آن کتاب) تقدیم خوانندگان کنیم. باین امید که این ریشه یابی جامع و مانع که به نظر می رسد بهترین اثر در زمینه اقتصاد سیاسی ایران نیز می باشد هر چند مختصر، بارها خواننده و در آن تأمل شود.

آنچه ضرورت ریشه یابی کودتا را بیشتر می کند، اظهارات خاتمی، رئیس جمهور منتخب در روز شگاه شهید شیروودی (۸۰/۳/۷) می باشد. وی بدین مضمون گفت که انقلاب مشروطیت به کودتای رضاخان منجر شد و حکومت ملی با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۳۲ سرنگون گشت. بنابراین جادارد کاری کنیم که انقلاب اسلامی نه به لحاظ خارجی با چنان کودتاهایی مواجه گردد و نه به لحاظ داخلی و در محتوا فروپاشی شود.

از ۹ اسفند بعد من بدربار نرفتم و چند مرتبه هم که آقای ابوالقاسم امینی کفیل وزارت دربار مذاکره نمود یا شرفیاب شوم یا اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بخانه ی دکتر غلامحسین پسر من که بین خانه ی من و کاخ اختصاصی واقع شده بود تشریف فرما شوند موافقت نمودم.

مفهومش این بود:

کشور مکزیک هم صنعت نفت راملی نمود و صاحب امتیاز که یک شرکت انگلیسی بود سالها با آن دولت راجع بمبلغ غرامت اختلاف داشت و بالاخره کار باینجا رسید که دولت مکزیک هشتاد میلیون دلار بشرکت صاحب امتیاز تادیه نمود و رفع اختلاف کرد.

نظر باینکه موقع ملی شدن صنعت نفت در مکزیک شرکت صاحب امتیاز در حدود چهار میلیون تن نفت استخراج مینمود و شرکت نفت انگلیس و ایران هم مقارن ملی شدن صنعت نفت در حدود سی و دو میلیون تن یعنی هشت برابر نفت مکزیک استخراج میکرد دولت ایران هم ۶۴۰ میلیون دلار یعنی هشت برابر مبلغی که دولت مکزیک بآن شرکت داد از بابت اصل و یکصد و شصت میلیون دلار هم از بابت سود در مدت بیست سال که هر سال چهار میلیون دلار میشود بشرکت نفت انگلیس و ایران تادیه کند و حساب خود را تصفیه نماید.

من تا آنوقت پیشنهادهای باین صراحت ندیده بودم و یقین داشتم که موفقیت نصیب ملت ماست و این هم یک خیال واهی نبود، چونکه هرملتی در راه آزاد و استقلال خود فداکاری نمود بمقصود رسید.

ولی بعد از فرستادن این پیشنهاد معلوم نشد چه پیش آمد و باچه اشخاصی مذاکره نمودند که اوضاع ناگهان تغییر کرد (۱) و یقین حاصل نمودند بهر طریق میتوانند دولت را ساقط نمایند و نتیجه این شد آقای فواد روحانی مشاور حقوقی شرکت ملی نفت که برای مذاکره بسوئیس رفته بود مستر راس برای ملاقات وی حاضر نشد. مستر لوی هم برای آمدن بایران عذر آورد.

اگر بتوانند مالی را بپن بخرس و نامشروع ببرند چرا حاضر شوند بنرخ عادلانه معامله کنند. تا هستند کسانی که میتوانند اینطور داد و ستد بکنند. چرا با کسانی که غیر از مصالح مملکت نظری ندارند معامله نمایند. نامشروع از این جهت که مقدار مهمی نفت بوسیله ی لوله از زیر آب بخارج میرفت که از آن کسی اطلاع نداشت و نامه ی آقای در یادار شاهین که عیناً نقل میشود دلیل صحت این معناست.

جناب آقای امیر علانی نماینده فوق العاده دولت و استنادار استان ششم

محترماً باستحضار میرساند در اجرای تحقیقاتی که استعلام فرموده اند اینک گزارش شده است که طبق اطلاعات و تحقیقات معموله دولوله یکی برای نفت سفید یا بنزین و دیگری نفت سیاه از کنار جاده آبادان و خرمشهر عبور و در مجاور مزرعه نمونه موسوم به «دیری فارم» از شط العرب بخاک عراق میرود.

در یادار شاهین
باینکه آقای وزیر خارجه ی انگلیس در پیام بملت ایران چنین اظهار نمود: «در باره شرکتهای امریکائی نیز می خواهم بطور محکم و خیلی مختصر صحبت کنم و امیدوارم کسی نگوید که امریکائیها از این قرارداد سوء استفاده کردند زیرا چنین خبری عاری از حقیقت است» تردید نیست که دولت انگلیس مایل نبود غیر از شرکت نفت انگلیس و ایران شرکتهای دیگری در نفت ایران دخالت کنند و بهمین جهت هم تا دولت امریکا

در کار نفت دخالت مینمود پیشنهاد صریحی بدولت ایران نداد و بعد معلوم نیست چه پیش آمد که دولت امریکا که خود در دو قرن پیش بدر ما گرفتار بود آزادی ملتی مثل ملت ایران را فدای چهل سهم از صد سهم کنسر سیوم نمود.

نظر باینکه مرحله ی اول شکست ملت ایران تغییر جریان مجلس بود که در قسمت دوم از فصل سوم بتفصیل گذشت. لذا دولت صلاح نمیدانست برای جواب استیضاح بمجلس حاضر شود و یقین داشت آن عده از وکلاء که آن نماینده ی طهران و مخالف دولت را برای نظارت در هیئت اندوخته اسکناس انتخاب کردند در مورد استیضاح نیز بدولت رای اعتماد میدهند

محمد مصدق:

عزل دولتی که بایکی از دول بزرگ دنیا

در مبارزه بود و حتی از گرفتن ۲۱۴ پنس هم

مایوس شده بود (نطق وزیر خارجه ی

انگلیس در آخر این لایحه) هیچ معنا نداشت

جز اینکه مبارزه بفتح آن دولت و شکست ملی

ایران تمام شود و من باز تکرار میکنم اگر

کوچکترین احتمالی در عدم موفقیت میدادم

بهترین بهانه برای کناره جوئی از کار همان

دستخط شاهانه بود.

تغییر رژیم موجب ترقی ملت نمیشود تا

ملتی دانا و رجالی توانا نباشد کار مملکت

بهمین منوال خواهد گذشت.

و دولت را ساقط مینمایند.

و باز نظر باینکه هیچکس غیر از خود مردم بیشتر بصلاح مردم عمل نمیکند دولت بوسیله ی رفتارندم بخود مردم رجوع نمود که تکلیف کشور را تعیین نمایند، چنانچه با بقای دولت موافقت رای بانحلال مجلس بدهند و الا دولت برود و مجلس بانچه صلاح میدانند عمل کند.

من از کسانی که غیر از خیر مملکت نظری ندارند سوال میکنم که غیر از این طریق دولت چه وسیله ای داشت که افکار مردم را نسبت به ادامه ی کار ویا کناره جوئی از کار استنباط کند.

خوشبختانه با رفتن نام غیر از اعمال بیگانه کسی مخالفت نمود و مخالفت آنها هم باین استناد بود که مجلس مؤسسان دوم حق انحلال مجلسین را بشاه مملکت داده است.

بر فرض اینکه مجلس مؤسسان روی ابتکار ملت ایران سر گرفته بود

وبایفرض اینکه اعضای آن راملت انتخاب کرده بود مجلس مؤسسان نمیتوانست از مردم سلب حق کند ودر یک موقع حساسی ملت نتواند عقیده ی خود را بر ابقای مجلس ویا انحلال آن اظهار نماید. مجلس مؤسسان که مدعی نمایندگی مردم بود چطور میتواند مردم را از این حق محروم کند. رفرا ندیم در صلاح مملکت وصلاح اعلیحضرت بود. اگر دولت انحلال مجلس را از پیشگاه ملوکانه درخواست مینمود چنانچه موافقت میفرمودند در محظور سیاست خارجی قرار میگرفتند ودر صورت عدم موافقت باملت خود مخالفت فرموده بودند.

رفرا ندیم ثابت نمود که ملت با دولت موافق است ویا انحلال مجلس رای

محمد مصدق:

معلوم نیست چه پیش آمد که دولت امریکا که خود در دو قرن پیش بدرد ما گرفتار بود آزادی ملتی مثل ملت ایران را فدای چهل سهم از صد سهم کنسر سیوم نمود.

نظر باینکه هیچکس غیر از خود مردم بیشتر بصلاح مردم عمل نمیکنند دولت بوسیله ی رفرا ندیم بخود مردم رجوع نمود که تکلیف کشور را تعیین نمایند، چنانچه با بقای دولت موافقند رای بانحلال مجلس بدهند و الا دولت برود و مجلس بآنچه صلاح میداند عمل کند.

داد و این بزرگترین خدمتی بود که دولت بمملکت وشاهنشاه نمود. ای کاش دستخط عزل صادر نشده بود تا ببینند کارها چطور بصلاح مملکت تمام و کلیه ی عواید نفت نصیب ملت ایران میشود. چنانچه تصور مینمودند دولت موفق نمیشود باید صبر میکردند تا دولت خود اظهار عجز کند. عزل دولتی که بایکی از دول بزرگ دنیا در مبارزه بود حتی از گرفتن ۲۱۴ پنس هم مایوس شده بود (نطق وزیر خارجه ی انگلیس در آخر این لایحه) هیچ معنا نداشت جز اینکه مبارزه بفتح آن دولت و شکست ملی ایران تمام شود و من باز تکرار میکنم اگر کوچکترین احتمالی در عدم موفقیت میدادم بهترین بهانه برای کناره جویی از کار همان دستخط شاهانه بود. صدور دستخط گذشته از اینکه برخلاف قانون اساسی بود دلیلی هم نداشت چونکه تا نه اسفند وبعد از آن تا ساعت یک روز ۲۵ مرداد ۳۲ از من واز دولت من کوچکترین عملی برخلاف مصالح مملکت وشخص

اعلیحضرت صادر نشده بود حتی یک اخلا لگر هم بقول دادستان ارتش نعره نکشیده ویا سخنی از جمهوری دموکراتیک نگفته بود وهرچه در روزهای آخر مرداد پیش آمد عکس العمل تشریف فرمائی بیسابقه و بیخبر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بود که در جامعه بقرار تلقی شده بود وهر کس از هر حزب وهر دسته میخواست از موقع بنبغ خود استفاده کند وبهترین دلیل همان فرمایشات خود شاهنشاه است که در مصاحبه با مخبر روزنامه ی مصری «المصور» فرموده اند واز مجله ی «خواندنیها» مورخ ۴ مهر ماه ۳۲ عیناً نقل میشود:

«نقشه ای که کشیده بودیم کاملاً مطالعه شده بود واحتمالات مختلف رانیز پیش بینی کرده بودیم و میدانستیم در مقابل نقشه های معکوس چه کنیم. وقتی مصدق فرمان عزل خود را رد کرد وموضوع را بصورت انقلاب جلوه گر ساخت وخواست از نفوذی که بدست آورده بود کمال سوء استفاده رابکنند هوایمائی مخصوص من آماده ی پرواز فوری از کشورم بود و من میخواستم این کار رابکنم تا مصدق وجماعت او تصور کنند که دور کاملاً بدست آنها افتاده ومعارضی ندارند (۱) ویا آنچه میخواستند رسیده اند وچون من از کشور پرواز کردم آنها همین اشتباه را کردند و نتوانستند آن پیروزی خیالی زا که بدست آورده بودند درست حفظ کنند وبرشهوآت خود فایق آیند و دست باعمال بیرویه ای زدند که خود قربانی آن شدند. اشخاص بیگانهی را گرفتند و بزندان انداختند، مجسمه ها را خراب کردند و دست باعمالی زدند که سوء نیت آنان را آشکار ساخت و من معتقدم که همین اعمال بکار آنان خاتمه داد و احساسات مردم را بر ضدشان برانگیخت، این بود بیانات ملوکانه که عیناً نقل شد.

اما اینکه بعضیها گفته اند اگر ۲۵ مرداد اجازه ی میتینگ داده نمیشد حرفهائی هم گفته نشده بود دولت این جانب که روی افکار عموم تشکیل شده بود وبیشرفت آن در مراجع بین المللی نتیجه ی احساسات ملت وحمایت ازدولت بود چطور میتواند با تشکیل میتینگ که خواسته ی مردم بود مخالفت کند. اجازه میتینگ مثل همیشه باین شرط داده شد که اخلا لگران نتوانند در میتینگ رسماً ایراد نطق کنند، همچنانکه نکردند. من قوه ای در اختیار نداشتم که در ظرف دوروز بتوانم اخلا لگران را تعقیب کنم. اگر قوای انتظامی در اختیار من بود چرا روز نه اسفند رئیس ستاد ارتش دست از کار کشید و تا پنج بعد از ظهر که من اورا از ستاد ارتش خواستم در کاخ سلطنتی بسر میبرد.

چرا ساعت یک بعد از نصف شب ۲۵ مرداد که عده ای از سعد آباد باتانک وافراد مسلح برای دستگیری من وهمکارانم حرکت نمودند واز همه جا گذشتند فرمانداری نظامی طهران ممانعت ننمود و حتی یک گزارش هم در این باب بمن نداده بود.

من با دستگاهی کار میکردم که زیر نفوذ استعمار بود. پس از چند تغییر وتبديل، سرتیپ افشارطوس رادرراس اداره کل شهربانی گذاردم شاید اصلاحاتی بکنند. اورا از بین بردند وبان همه بیانات واقاریری که متهمین بقتل اودر نوار ضبط صوت نمودند همگی بدون استثناء در دادگاه نظامی تبرئه شدند وپرونده قتل او که با آن طرز فجیع از بین رفته بود مختوم گردید. دولت این جانب با چنین تشکیلاتی در ظرف آن دوروز چه میتواندست

بکند، چونکه اینکار دردست عمال بیگانه بود وعده ای از احزاب چپ نیز معناً مجری نظریات دولت مبارز بودند وقوای انتظامی اعمالشان راندریده میگرفت.

همه میدانند که عصر روز ۲۷ مرداد دستور اکید دادم هر کس حرف از جمهوری بزند اوراتعقیب کنند ونظر این بود که از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی درخواست شود هر قدر زودتر بایران مراجعت فرمایند. چنانچه ممکن نباشد، شورای سلطنتی راتعیین فرمایند که کارها متوقف نشود وجریان طبیعی خود را طی نماید و هر گاه باین دو پیشنهاد موافقت نمیشد چون حق تعیین شورای سلطنتی با اعلیحضرت بود وهیچ مرجعی غیر از خود ملت نمیتوانست باین کار مبادرت کند شورای سلطنتی از طریق رفرا ندیم تعیین گردید که روز ۲۸ مرداد دولتی که قبلاً پیش بینی شده بود نقشه ی آخر را عملی کرد وبعد هم گفته شد اگر دولت سقوط نمیکرد

جلسه بتصویب رسید و باستناد همان قانون تحریم امتیاز بود که مجلس پانزدهم توانست قرار شرکت مختلط نفت را رد کند و برای جلوگیری از سوء تفاهم بین المللی دولت رامامور نماید که حقوق ملت را از شرکت نفت انگلیس وایران استیفاء نماید.

اگردر آن روز این کار صورت نمیگرفت صنعت نفت درسراسر کشور ملی نمیشد. ملت ایران نمیتوانست با دو دولت قوی که نفع مشترک داشتند مبارزه کند و روی همین رقابت بود که دولت توانست در جنوب از شرکت نفت انگلیس وایران ودر شمال از شرکت شیلات خلع ید نمایند.

من نه فقط با جمهوری دموکراتیک بلکه با هر رقیب دیگری آن هم موافق نبودم چونکه تغییر رژیم موجب ترقی ملت نمیشود و تاملتی دانا ورجالی توانا نباشد کار مملکت بهمین منوال خواهد گذشت. چه بسیار ممالکی که رژیمشان جمهوری است ولی آزادی ندارند وچه

محمد مصدق:

بر فرض اینکه مجلس مؤسسان روی ابتکار ملت ایران سرگرفته بود و باز فرض اینکه اعضای آن را ملت انتخاب کرده بود مجلس مؤسسان نمیتوانست از مردم سلب حق کند تا در یک موقع حساسی ملت نتواند عقیده ی خود را بر ابقای مجلس ویا انحلال آن اظهار نماید.

اینها نقشه هائی بود که یکی بعد از دیگری اجرا شد برای اینکه وضع مملکت بحال سابق عودت کند و ملت ایران به آرزو و آمال خود نرسد، و الا چه شد که بعد از سقوط دولت آنچه ملت بدست آورده بود و مورد تایید شاهنشاه هم قرار گرفته بود یکی پس از دیگری از دست رفت.

بسیار ممالکی که سلطنت مشروطه دارند واز آزادی واستقلال کامل بهر مندند.

برای من و کسانی مثل من بیگانه بیگانه است، در هر مرام و مسلکی که باشد. ولی چه میتوان کرد که هر دسته از عمال بیگانه میخواهند ارباب خود را باین مملکت مسلط کنند و کسانی مثل من را از بین ببرند.

تا اینجای لازم بود که من از خود دفاع کنم و با ادله وقرائن بی شماری ثابت نمایم که نه میخواستم ترتیب وراثت تخت و تاج را تغییر دهم، نه رژیم مشروطه را بجمهوری، آن هم جمهوری دموکراتیک تبدیل نمایم، واما کسانی که با عملیات سال اول من موافق بودند و آنچه واقع شده بود خواسته ی ملت میدانستند چه شد که بعد از سقوط دولت آن عملیات راتعقیب ننمودند و آنچه کردند مخالفت آنچه بود که گفتند.

(۱) کنفرانس در جبال آلپ تشکیل شد که بعد بتفصیل خواهد آمد.

(۲) کمتر دیده شده است پادشاهی برای یک مقصود نامشروع ملت خود را اغفال کند.

(۳) معلوم شد که (یک کلمه ناخوانا) نیست هم میتوان کسی را مجرم ساخت و محکوم کرد.

مملکت از بین میرفت و نگفتند که مملکت کجامیرفت و یک عده اخلاص غیر مسلح بطور می توانستند در مقابل ارتش مسلح به توپ و تانک مقاومت کنند. چنانچه این کار شدنی بود چرا بعد از روز ۲۸ مرداد نکردند.

بطور خلاصه اینها نقشه هائی بود که یکی بعد از دیگری اجرا شد برای اینکه وضع مملکت بحال سابق عودت کند و ملت ایران بآرزو و آمال خود نرسد، و الا چه شد که بعد از سقوط دولت آنچه ملت بدست آورده بود و مورد تایید شاهنشاه هم قرار گرفته بود یکی پس از دیگری از دست رفت. عجب این است که من در آن واحد باتهام دو جرم متضاد یعنی برای بهم زدن اساس حکومت (ماده ی ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش) و برای قصد تشکیل رفرا ندیم از نظر تعیین شورای سلطنتی هر دو محکوم شدم (۱)

من نه فقط در مجلس چهاردهم و شانزدهم بلکه از دوره نهم تقنینیه که قرارداد ۱۹۳۳ منعقد شد با امتیاز نفت مخالف بودم و یقین داشتم که با استفاده بیگانگان از معادن نفت، ملت ایران هیچوقت روی آزادی واستقلال رانخواهد دید و روی همین عقیده بود که با حضور قشون دولت اتحاد جماهیر شوروی در ایران وعده ای از افراد حزب توده در مجلس چهاردهم طرح تحریم امتیاز نفت را بمجلس دادم و جدیت نمودم تا در همان